



Evaluation of Women's Financial Rights in the Islamic Family Law: The Comparative Study in Iran, Egypt, Morocco, and Tunisia's Law

Hussein Movahedian

Continuous master's student of Islamic studies and private law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Mohsen Esmaeili

Associate Professor of Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Mohammad Roshan

Associate Professor of Private Law, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

ارزیابی حقوق مالی زنان در حقوق خانواده اسلامی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، مصر، مراکش و تونس

حسین موحدیان

دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق خصوصی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

taha1997law@gmail.com

http://orcid.org/0000-0001-5274-3963

محسن اسماعیلی

دانشیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

esmaeili1344@ut.ac.ir

محمد روشن

دانشیار حقوق خصوصی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

m-roshan@sbu.ac.ir

Abstract

Industrial Revolution which is supposed to be a landmark throughout the recent centuries, led to many changes in the country's legal system. As a result, despite the conservatism of family law, its tendency to be up-to-date is evident. Although Western family law systems have been reformed, passive acceptance of their approach is not suggested to other countries, namely Islamic land, because it is a defeated experience. So authors for suggesting new ideas in the face of modernity will evaluate the Egypt, Morocco, and Tunisia family law systems. This article Industrial Revolution which is supposed to be a landmark throughout the recent centuries led to considerable changes in the country's legal system. As a result, despite the conservatism of family law, its tendency to be up-to-date is apparent. Although Western family law systems have been reformed, passive acceptance of their approach is not suggested to other countries, namely Islamic land, because it is a defeated experience. So authors for suggesting new ideas in the face of modernity will evaluate the Egypt, Morocco, and Tunisia family law systems. This article shows that their moderate approach which is not considered a passive acceptance of Western reformation in the family law, is compatible with Islamic Law. Hence, this essay proposes to lawmakers and policymakers in the Islamic Republic of Iran to evaluate the approaches of Islamic countries such as Egypt, Morocco, and Tunisia.

Keywords: Financial Rights of Women, Financial Systems of Couples, Egypt, Morocco, Tunisia.

چکیده

انقلاب صنعتی به عنوان مهم‌ترین رخداد در سده‌های اخیر، آثاری مهم را برای جوامع به همراه داشت که تحولات در سیستم‌های حقوقی کشورها از مصادیق آن به شمار می‌رود. در این میان، نظام حقوق خانواده که پای در سنن، هنجارها و دین رسمی کشور نهاده است، در مواجهه با این تغییرها، تمایل به بروزرسانی را از خود نشان می‌دهد. هرچند نظام‌های حقوق خانواده غربی، تحولات چشم‌گیری را نسبت به گذشته تجربه کرده‌اند، اما اقتباسی منفعلانه از آن‌ها بدون توجه به سنت‌های بومی و جایگاه والای شریعت اسلامی منتهی به شکست است. از این رو، نگارندگان در مقام ارائه راه حل‌هایی بدیع در مواجهه با مدرنیته، به بررسی نظام‌های حقوق خانواده در کشورهای مصر، مراکش و تونس که خود نیز در گذشته در مواجهه سنت و تجدد، رویکردی بینابینی را در قبال حقوق مالی زوجه برگزیدند، می‌پردازند. این پژوهش آشکار می‌سازد که رویکرد متعادل مزبور، گره‌برداری منفعلانه از غرب نبوده، زیرا کماکان بخشی از جامعه و نهادهای قدرتمند مذهبی دل در گرو شریعت اسلامی دارند و با اسلام‌زدایی از قوانین مخالفت می‌کنند. لذا، به قانونگذاران و سیاستگذاران جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می‌شود که رویکرد این کشورهای اسلامی را مطنح نظر قرار دهند.

واژگان کلیدی: حقوق مالی زنان، نظام‌های مالی زوجین، مصر، مراکش، تونس.

ارجاع:

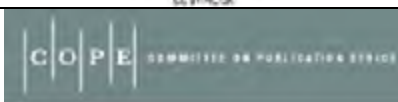
موحدیان، حسین؛ اسماعیلی، محسن؛ روشن، محمد؛ (۱۴۰۲)، ارزیابی حقوق مالی زنان در حقوق خانواده اسلامی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، مصر، مراکش و تونس، تمدن حقوقی، شماره ۱۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY NC SA



مقدمه

به موازات تحولات اجتماعی، سیستم‌های حقوقی برای پاسخ به نیازهای برآمده از اقتضائات زمانی و مکانی، راه‌حلهایی متفاوت با راهکارهای سابق و رویکردی نوین را ارائه و اتخاذ کرده‌اند. انقلاب صنعتی به عنوان دستاوردی چشمگیر در کشورهای غالباً غربی، نه تنها توسعه اقتصادی؛ بلکه توسعه شاخص‌های انسانی را هم به ارمغان آورد. بهبود وضعیت زنان و تغییر در حقوق و تکالیف آن‌ها که ناشی از جنبش‌های حقوق زنان در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی بود، در سیستم‌های حقوقی این کشورها وارد شد. جنبش‌های اجتماعی در فرانسه، به تصویب اعلامیه حقوق بشر فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی انجامید، اما نتوانست آرمان‌های موردنظر مدافعان حقوق زنان را برآورده سازد، تا این که به تدریج و از سال ۱۹۰۷ میلادی، تغییراتی قابل توجه را در نظام حقوق خانواده این کشور که در حقیقت موجب از بین رفتن سنت‌های حاصل از الگوی پدرسالانه برآمده از حقوق سنتی روم شد، به همراه داشت. برابری کودکان مشروع و نامشروع، امکان تصدی پست‌های حکومتی، حق مالکیت اقتصادی زنان و رژیم اشتراک اموال زوجین نمونه‌ای از اصلاحات مزبور به شمار می‌روند. علاوه بر فرانسه، دیگر کشورهای غربی نیز رویکردی مبتنی بر حمایت از حقوق زنان را اتخاذ کردند که تجلی آن در قانون به رسمیت شناختن مالکیت برای زنان متأهل مصوب ۱۸۸۲ میلادی در انگلستان و قانون تساوی زن و مرد مصوب ۱۹۱۹ میلادی در ایالات متحده آمریکا قابل مشاهده است. نه تنها قوانین ملی؛ بلکه در بُعد بین‌المللی نیز کنوانسیون‌هایی در حوزه حقوق زنان تصویب شدند که کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان مصوب ۱۹۷۹ میلادی موفقیتی قابل توجه در آن دوره زمانی به شمار می‌رود.

از آنجایی که انقلاب صنعتی، توسعه اقتصادی و افزایش تعداد کارخانه‌ها در کشورهای غالباً غربی را به همراه داشت و با توجه به نیاز آن‌ها به مواد اولیه قابل دسترس و نیروی کار ارزان قیمت، استعمار تحقق یافت و ارتش‌های اروپایی به مناطقی از جمله منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا وارد شدند. این ورود، نه تنها منابع طبیعی و سرمایه انسانی این منطقه را در خدمت غربی‌ها قرار داد؛ بلکه تغییراتی را در نظام سیاسی، سیستم حقوقی، نظام آموزشی و حتی سبک زندگی بخشی از جامعه به همراه داشت. رواج افکار فمینیستی و نواندیشانه در کشورهای اسلامی که تحت تأثیر حضور غربی‌ها در منطقه و بازگشت مسلمانان تحصیل کرده در مغرب زمین بود، تغییراتی را در آرای حقوقدانان و متعاقباً نظام‌های حقوق خانواده کشورهای اسلامی واقع در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به همراه داشت. رویکرد بعضاً متفاوت نظام حقوقی کشورهای تونس و مراکش به عنوان مستعمره‌های فرانسه و مصر که نمونه‌ای از کشورهای پیشرو و مترقی در حوزه قوانین و مقررات در میان کشورهای اسلامی است، تأثیرپذیری برخی از کشورهای اسلامی در مواجهه با مدرنیته و تحولات جهانی حقوق زنان را آشکار می‌سازد. این تحولات در طول سده‌های اخیر رخ داده و با وقوع بهار عربی و انقلاب‌هایی در شمال آفریقا تشدید یافت که جایگاه زنان را نسبت به گذشته دگرگون ساخت.

با توجه به آن که جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری مسلمان، همواره با چالشی به عنوان مسئله حقوق زنان مواجه بوده و غربی‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در این حوزه به دنبال تشدید فشار و ایران‌هراسی بوده‌اند، ضرورت دارد تا رویکرد کشورهای مصر، تونس و مراکش که بیشترین ارتباط را با غربی‌ها داشته که این امر در سیستم‌های حقوقی آن‌ها نیز جلوه گر است، بررسی شود. از این رو، این پژوهش با رویکردی توصیفی و تحلیلی به جستجو در قوانین و مقررات و متون حقوقی کشورهای مذکور می‌پردازد تا موضع نظام‌های حقوق خانواده آن‌ها را درباره حقوق مالی زنان روشن سازد، آنچه ضرورت این پژوهش را دوچندان می‌کند، آسیب‌پذیری زنان پس از انحلال نکاح است که از جمله آن‌ها می‌توان به چالش‌های میان زن و خانواده پدری خود اشاره کرد که در عمل، زوج را مجبور به زندگی به تنهایی و تحمل مشکلات اقتصادی ناشی از آن می‌کند (سیدان و خاکخو، ۱۳۹۴، ۱۷۴).

در این جا بایستی بیان کرد که برغم تأثیرپذیری این سیستم‌های حقوقی از سیستم‌های حقوقی غربی، اما رویکرد کاملاً غربی در آن‌ها اجرا نشده‌اند، زیرا کماکان بخشی از جامعه عرب پایبند به شریعت اسلامی و سنت‌های عربی است و نهادهای مذهبی همواره در برابر اقتباس‌های منفعلانه الگوهای غربی مقاومت می‌کنند. بنابراین، می‌توان چنین فرض کرد که رویکردهای موجود در کشورهای مزبور،

رویکردی متعادل و منصفانه را با توجه به تحولات غرب و ضرورت پایبندی به آموزه‌های اسلامی اتخاذ کرده‌اند، زیرا هرگونه گرت‌برداری از مفاهیم غربی، بدون در نظر گرفتن شریعت اسلامی، مورد اعتراض مسلمانان راستین عرب قرار می‌گیرد. به همین منظور، در این پژوهش در گام نخست، تحولات کشورهای غربی در حوزه نظام حقوق خانواده بررسی می‌شود. سپس، به صورت مختصر، نکاتی کلی درباره تحولات کشورهای اسلامی مطرح می‌گردند. این پژوهش در سومین گام، به صورت تفصیلی، به مطالعه حقوق مالی زوجه در نظام‌های حقوق خانواده ایران، مصر، تونس و مراکش می‌پردازد و در نهایت، نگارندگان، صحت یا عدم صحت نظام اشتراک اموال زوجین را با رویکردی فقهی می‌سنجند.

۱- تحولات در کشورهای غربی

گرچه این پژوهش به مطالعه نظام‌های حقوق خانواده بعضی از کشورهای اسلامی می‌پردازد، لکن لازم است که ابتدا بخشی از تحولات سیستم‌های حقوقی غربی در حوزه حقوق خانواده ارائه شوند. انقلاب صنعتی، یکی از اتفاقات مهم در تاریخ به شمار می‌رود که نه تنها اروپای غربی؛ بلکه سرنوشت بسیاری از کشورها را تغییر داد که دگرگونی در بخشی از سیستم‌های حقوقی از جمله این موارد به شمار می‌رود. به گواه تاریخ نگاران غربی، انقلاب صنعتی از انگلیس آغاز شد که آن هم نتیجه ضرورت نیاز به منابع اولیه فراوان و نیروی انسانی ارزان قیمت بود (استرنز، ۲۰۱۳، ۴۲) و به بهبود وضعیت اقتصادی، افزایش جمعیت و تغییر در سبک زندگی انگلیسی‌ها منتهی شد. یکی از مورخین در این باره می‌نویسد که جمعیت انگلیس در سال‌های ۱۸۰۰ میلادی و ۱۸۵۰ میلادی به ترتیب به ۱۰٫۵ میلیون و ۲۰٫۸ میلیون نفر رسید (رابرت، ۲۰۱۷، ۲۷). علاوه بر تغییر در میزان جمعیت، روابط اعضای خانواده و جایگاه زنان هم دگرگون شد (استرنز، ۲۰۱۳، ۶). دومین موج انقلاب صنعتی از ۱۸۸۰ میلادی تا ۱۹۵۰ میلادی رخ داد که فرصت‌های شغلی بیشتری را برای زنان فراهم کرد و کار در بیمارستان، تدریس در مدارس و مددکاری اجتماعی از جمله مصادیق آن محسوب می‌شوند.

با این حال، نباید چنین پنداشت که اوضاع و احوال مذکور تماماً مساعد و به سود زنان بود، زیرا محدود ماندن فعالیت زنان در دوره پیش از ازدواج، ساعت کار زیاد و دستمزد کمتر در مقایسه با مردان، اعتراض زنان را برانگیخت (استرنز، ۲۰۱۳، ۷۸). این اعتراضات، بی‌نتیجه نماند و در نهایت اصلاحیه قانون کارخانه در سال ۱۸۳۳ میلادی را به ارمغان آورد. این قانون که در انگلیس به تصویب رسید، حداقل سن قانونی برای کار را نه سال تعیین کرد. علاوه بر این، نه و دوازده ساعت کار در روز به عنوان حداکثر میزان فعالیت برای کودکان بین نه تا سیزده سال و سیزده تا هجده سال اعلام شدند. این قانون، علاوه بر تعیین

سن کار و میزان فعالیت، حق آموزش کودکان انگلیسی را به رسمیت شناخت و مقرر داشت که آن‌ها بایستی دو ساعت در روز را به مدرسه بروند. با این وجود، اصلاحات دیگری در سال ۱۸۴۴ میلادی اعمال شد و میزان ساعت کاری کودکان نه تا سیزده سال، شش ساعت و نیم تعیین شد. این اصلاحیه، حداکثر دوازده ساعت کاری را برای زنان در نظر گرفت. باز هم این اصلاحات برای زنان مطلوب نبود و اصلاحیه سال ۱۸۴۷ میلادی، میزان ساعت کاری آن‌ها را به ده ساعت رساند. به تدریج و با افزایش دستمزدها که آن هم پس از تلاش‌های فراوان جنبش‌های حقوق زنان به نتیجه رسید، تغییرات در نهاد خانواده زیاد شد. به عنوان نمونه، با افزایش فعالیت‌های صنعتی، به مرور شغل‌های خانگی و مرتبط با صنایع دستی که غالباً زنان خانه دار متصدی آن‌ها بودند، رو به افول رفت (استرنز، ۲۰۱۳، ۷۵). علاوه بر این، با توجه به رواج شهرنشینی و کم‌رنگ شدن زندگی روستایی که اقتضای آن، همکاری همه اعضای خانواده از جمله زنان برای کار در مزارع کشاورزی بود، خانه‌های شهرنشینان تنها به مکانی برای تأمین آرامش اشخاص و کاهش فشارهای روانی حاصل از زندگی پرهیاهوی شهری تبدیل گشت.

آنچه تاکنون بیان شد، تنها مصادیقی از تغییر در جایگاه زنان در بحبوحه انقلاب صنعتی در کشور انگلیس به عنوان کشوری پیشرو در صنعتی شدن بود. پس از تثبیت این دوره، جنبش‌های حقوق زنان فعالیت‌های خود را افزایش دادند و زنانی از جمله خانم گلدستین^۱ در این زمینه به پژوهش و نظریه‌پردازی پرداختند و با اشاره به جنبش‌های طرفداری از حقوق زنان در قرون نوزدهم و بیستم میلادی، آن‌ها را تلاشی برای احیای حقوق زنان دانست که تا حدی موفق عمل کردند (گلدستین، ۱۹۸۲، ۹۱). دیگر کشورهای اروپایی همچون فرانسه نیز با الگوبرداری از انگلیس، گام در مسیر صنعتی شدن نهاد و به موازات صنعتی شدن، اندیشمندان فرانسوی هم به تولید محتوا در راستای خلق و توسعه ادبیات حقوق زنان پرداختند. امروزه آرمان‌های جنبش‌های فمینیستی تحت عنوان «فرصت‌های شغلی متناسب با شایستگی‌های اشخاص و رای از جنسیت آن‌ها»، «امکان اشتغال زنان»، «ممنوعیت کودک همسری» و «به رسمیت شناختن حق بر تحصیل» مطرح می‌شوند که در حقیقت ناشی از تلاش‌های شال فوریه^۲، فیلسوف فرانسوی است که برای اولین بار در سال ۱۸۳۷ میلادی از واژه Féminisme که همان معادل فمینیسم است، استفاده کرد و به تدریج، موضوع دفاع از حقوق زنان را وارد ادبیات دانشگاهی کرد.

نخستین موج از فمینیسم که تا سال ۱۹۲۰ میلادی ادامه یافت، در جستجوی برابری زنان و مردان در حقوق سیاسی و فراهم شدن فرصت‌های رسمی برابر (برای اشتغال و تحصیل) و حقوق خانوادگی همچون

1- Goldstein

2- François Marie Charles Fourier

حق طلاق و حق حضانت فرزند (ان) برای زنان متأهل بود (گلدستین، ۱۹۸۲، ۹۱). موج دوم فمینیسم در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی و سومین موج آن در سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد (گروسی، ۱۴۰۰، ۲۵) آرمان‌های دیگری را دنبال کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به «لغو ازدواج»، «استمرار خانواده هسته ای»، «دستمزد برای زنان خانه دار» و «سقط جنین» اشاره کرد. دستاورد این تلاش‌ها، معرفی مغرب زمین به عنوان مدینه فاضله برای گروهی از زنان ناامید از وضعیت خود در دیگر مناطق بود که آن‌ها را به مهاجرت به کشورهای چوچ فرانسه متمایل ساخت. در تأیید این ادعا می‌توان به مهاجرت زنانی از مراکش و الجزایر پرداخت که محفود بنون^۳ در مقاله‌ای تحت عنوان کارگران مراکشی در فرانسه در سال ۱۹۷۵ میلادی آن را بررسی کرد (بنون، ۱۹۷۵، ۱۳).

اقدامات جنبش‌های طرفداری از حقوق زنان و پژوهشگران، در بعضی از قوانین کشورهای اروپای غربی تجلی یافت که به رسمیت شناختن حق زنان برای طلاق و اصلاحاتی در این باره در سال‌های ۱۹۷۵، ۱۹۹۳، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۴ میلادی، تغییر در حوزه نظام‌های مالی زوجین در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۸۵ میلادی (محسنی، ۱۳۹۵، ۴۲) و دگرگون ساختن مفهومی به نام نفقه زوجه از مفهوم سنتی موجود در کشورهای چوچ ایران، در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی فرانسه که علاوه بر «وجود رابطه زوجیت» و «نیاز زوجه»، به «توانایی مالی زوج» هم نیاز دارد، اشاره کرد. در انگلیس هم تصویب قوانینی از قبیل قانون اموال زنان متأهل در سال ۱۸۸۲ میلادی به عنوان نقطه عطف تاریخ قانونگذاری در حوزه نظام حقوق خانواده این کشور به شمار می‌رود که مالکیت زوجه را بر اموال خود به رسمیت شناخت و قانون مرافعات زناشویی در سال ۱۹۷۳ میلادی به موضوعاتی همچون توافق زوجین درباره سامان دادن به امور مالی و امکان درخواست زوجه برای صدور حکم طلاق پرداخت.

۲- تحولات در جوامع اسلامی

پیش از پرداختن به جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مصر، مراکش و تونس، به عنوان موضوع این پژوهش، ضرورت دارد تا به آخرین تحولات مرتبط با امپراطوری عثمانی اشاره کرد که در نهایت، با زوال این حکومت، فصل جدیدی به روی تاریخ منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا گشوده شد. آنچه در ابتدا بایستی بیان شود، آن است که مواجهه دولت‌های اسلامی، به ویژه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، با دوگانه سنت و تجدد، چالشی عظیم به شمار می‌رود که انتخاب راه حلی (هایی) مناسب را به دلیل وجود مزایا و معایب به صورت توأمان، دشوار می‌سازد. در این باره، امپراطوری عثمانی، به عنوان شاهد مثالی فرض

می‌شود که به اعتقاد تاریخ نگاران و متخصصان علوم سیاسی، مدرنیزاسیون و «اعمال اصلاحات»، از جمله عوامل مؤثر در سقوط این حکومت اسلامی به شمار می‌رود. توضیح بیشتر آن که، نخستین اصلاحات در امپراطوری عثمانی، که به تنظیمات نامبردار است، تا زمان سلطنت سلطان عبدالحمید، تا سال ۱۹۰۹ میلادی اعمال شد (ولی، ۱۳۸۰، ۳۹). «در دوران سلطان عبدالحمید، (او) همزمان با جنگ‌های کریمه، جریان عمومی تنظیمات و مدرنیزاسیون در این کشور را تسریع و تشدید کرد و راهی بازگشت‌ناپذیر به سوی مدرنیسم گشود. مدرنیسمی که هرچند در میان مدت، جامعه عثمانی به ویژه حکومت آن را بازسازی کرد، اما به دلیل ناسازگاری با بنیاد امپراطوری عثمانی که بر اساس خلافت اسلامی و نیز نیروی نظامی بنا شده بود، در نهایت به فروپاشی آن منجر شد. در واقع این درمان ناقص مدرنیستی، عمر عثمانی را که مرد (پیر) اروپا نامیده می‌شد، طولانی‌تر کرد، اما در نهایت نتوانست بدنه نیمه جان این بیمار غول پیکر را حفظ کند» (سلیمی، ۱۳۹۳، ۱۹۲). از این رو، توجه به تجربه اصلاحات در امپراطوری عثمانی، این نکته را خاطر نشان می‌سازد که صرف تمایل به حضور در مجامع بین‌المللی، برقراری و توسعه روابط با دول مختلف به ویژه غربی‌ها، نباید دولت‌های اسلامی را به سوی اعمال اصلاحات و اقتباسی منفعلانه از سیستم‌های حقوقی غربی در حوزه خانواده، بدون در نظر گرفتن شریعت اسلامی، بکشانند.

۳- حقوق مالی زنان در کشورهای اسلامی

۳-۱- جمهوری اسلامی ایران

نظام حقوق خانواده در جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه، نظام جدایی اموال زوجین یا اصل استقلال مالی زن و شوهر را در نظر گرفت که در ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی تجلی یافت و در اثر آن، پس از برقراری رابطه زوجیت حاصل از نکاح دائم، زوجین دارایی‌های مستقل و متمایز از یکدیگر دارند و هر یک می‌تواند هرگونه که می‌خواهد در دارایی خود تصرف کند (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ۱۳۰). این رویکرد حقوقی، مبتنی بر ادله‌ای چون آیه شریفه سی و دوم سوره مبارکه نساء، اصل عدم ولایت و قاعده تسلیط است. لذا مطابق با این اصل، زوجه کماکان پس از ازدواج، مالک اموال خود، خواه اموال پیش از ازدواج و خواه پس از آن، به شمار می‌رود. وی در دوره برقراری روابط زناشویی، به مجرد وقوع نکاح، مالک مهر و نفقه می‌شود و استحقاق او به دریافت نفقه تا زمان نشوز وجود دارد که در حقیقت بیانگر اعتقاد جمعی از حقوق‌دانان ایرانی مبنی بر نشوز مانع نفقه است، می‌باشد. علاوه بر این، زوجه مستحق دریافت اجرت‌المثل به عنوان اجرتی در مقابل ادای وظایف تحمیل شده توسط زوج است که در تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی بدان اشاره شده است.

۱-۳-۱- حقوق مالی زوجه در زمان زوجیت

الف - نفقه

از آنجایی که مطابق با ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، ریاست خانواده از جمله ممیزات زوج محسوب می‌شود، که اقتضای آن، تأمین معاش خانواده است (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۱۷۰)، قانونگذار در ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، به صراحت، شوهر را متعهد به پرداخت نفقه زوجه حاصل از نکاح دائم دانست. مهم‌ترین پرسشی که در این جا مطرح می‌شود، زمان استحقاق زوجه به دریافت نفقه است که بعضی از حقوقدانان به تبعیت از مشهور فقها، تمکین کامل زوجه در نکاح دائم را موجب وجوب نفقه می‌دانند (مهرپور و همکاران، ۱۳۹۱، ۴۰). این در حالی است که در نقطه مقابل، عده دیگری از حقوقدانان، نشوز را مانع نفقه می‌دانند و اعتقاد دارند که تا زمان عدم نشوز و به مجرد انعقاد عقد نکاح دائم، زوجه مستحق دریافت نفقه است (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۱۷۲) و (روشن، ۱۴۰۰، ۱۷۰) و (صفار، ۱۳۹۰، ۷۳). با توجه به این که در طول تاریخ، بیشتر زنان مسلمان ایرانی، خانه دار بودند و در حال حاضر نیز بخشی از آن‌ها کماکان در خانه مشغول و به ایفای امور خانواده می‌پردازند، می‌توان چنین بیان داشت که تعهد زوج به پرداخت نفقه، به عنوان مهم‌ترین طریقه تأمین مالی زوجه و پاسخ به نیازهای مادی اوست، زیرا برغم سوءاستفاده بعضی زنان ایرانی از شوهران خود مبنی بر دریافت تمام و کمال مهریه‌های سنگین، غالب زنان، مهریه را جز در صورت وفات شوهر یا انحلال عقد نکاح، دریافت نمی‌کنند و در عمل، تنها راه درآمد آن‌ها، به ویژه زنان خانه دار، مبالغ دریافتی در قالب نفقه است. به همین دلیل است که سیستم حقوقی ایران، در قوانین متعددی همچون ماده ۱۲۰۳ قانون مدنی، ماده ۴۹ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و ماده ۵۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ امتیازاتی از جمله قابل تهاتر نبودن نفقه زوجه، تقدم آن بر نفقه اقارب و دیون عادی تاجر ورشکسته (روشن و محمدی رمقانی، ۱۳۹۲، ۱۴۱) و امکان مطالبه نفقه زمان گذشته در قالب طرح دعوی در محاکم (مهرپور و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۵۳) و (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ۱۴۷) را مفروض دانسته است.

یکی از بحث برانگیزترین مباحث در حوزه نفقه زوجه، مصادیق آن است. ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نفقه را متناسب با وضعیت زوجه و شامل نیازهای متعارف دانست و این نیازهای متعارف را در قالب مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل، هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت احتیاج یا به واسطه نقصان یا بیماری معرفی کرد. آنچه موجب اختلاف نظر درباره مصادیق نفقه زوجه شده، حصری یا تمثیلی بودن آن است. دکتر کاتوزیان، استعمال واژه «از قبیل» را مفید تمثیلی بودن مصادیق مذکور دانست (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۶۷۳). دکتر صفایی و دکتر اسدالله امامی هم با اشاره به واژه «احتیاج» در ذیل این ماده، بر حصری

نبودن مصادیق نفقه تأکید می‌کنند (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ۱۴۴). در این باره می‌توان به رویه قضایی نیز اشاره کرد که دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۱۰۱۵۰۷ که در تاریخ ۱۳۹۳/۰۹/۰۸ صادر شده، اجاره بهای منزل را به عنوان جزئی از نفقه زوجه محسوب کرد.^۴

میزان نفقه زوجه چیست؟ آیا بایستی وضعیت زوج را ملاک قرار داد یا وضعیت زوجه را؟ یا وضعیت هر دو را؟ همان‌طور که پیش از این اشاره شد، ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی به صراحت، وضعیت زوجه را معیار محاسبه نفقه معرفی کرد (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ۱۴۵) و (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۱۷۲). بعضی از حقوقدانان، در سوی دیگر، بر لزوم توجه به وضعیت مالی زوج در کنار در نظر گرفتن وضعیت مالی زوجه تأکید دارند. دکتر کاتوزیان با اشاره به تشکیل زندگی مشترک و ایجاد وحدتی بر آمده از آن، این وضعیت مشترک میان زوجین را ملاکی برای محاسبه میزان نفقه زوجه لحاظ کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۱۷۴). یکی از حقوقدانان در انتقاد از نظر اخیر، بیان می‌دارد زوج با ازدواج با زوجه‌ای که وضعیت مالی و موقعیت اجتماعی به مراتب بهتری دارد، به نوعی علیه خود اقدام کرده و به دلیل علم او به این وضعیت، بایستی نفقه زوجه را متناسب با وضعیت خانوادگی او در زمان پیش از ازدواج دائم بپردازد (روشن، ۱۴۰۰، ۱۷۵).

ب- مهر

مهر، صدق، صدق، نَحْلَة و عَطِیَة در فقه امامیه و مهر و مهریه در نظام حقوق خانواده ایران از جمله واژگانی است که به عنوان مترادف‌های مهر استعمال شده‌اند (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ۱۰۵۶) و (البرکتی، ۱۴۲۴ق، ۲۲۲) و از میان آن‌ها، صدق و هم خانواده‌های آن یعنی صُدْقَة و صَدَقَة بیشترین کاربرد را متون فقهی دارند (فراهیدی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ۵۷). مستندات مذکور نشان می‌دهند که بایستی مهر را مطابق با صدق معنا کرد. از آنجایی که صدق نشانه حسن نیت است، پس مهر را می‌توان در لغت به معنای چیزی که بر حسن نیت زوج دلالت دارد، معنا کرد. معنای اصطلاحی هم متناسب با همین معنای لغوی است و با توجه به آن که فقهای امامیه، مهر را به عنوان هر آن چیزی که قابلیت تملک آن وجود دارد، در نظر گرفته‌اند، (مکارم شیرازی، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ۱۱۳) پس اصطلاحاً مهر را از نظر فقهی باید مملوکی دانست که به عنوان نشانه حسن نیت از سوی زوج به زوجه اعطاء می‌شود. به دلیل آن که مهر بیشتر از صدق به کار می‌رود، لذا در این پژوهش نیز از واژه مهر استفاده شده است. حقوقدانان ایرانی نیز به تعریف مهر پرداخته‌اند. برای مثال، دکتر کاتوزیان مهر را مالی می‌داند که پس از انعقاد عقد نکاح و به دلیل مقررۀ امرۀ قانونگذار، زوج متعهد است تا آن را به زوجه تملیک نماید (کاتوزیان،

۱۳۹۴، ۱۳۱). دکتر صفایی و دکتر اسدالله امامی هم آن را مالی می‌دانند که زوجه بعد از انعقاد عقد نکاح مالک آن می‌شود (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ۱۵۶).

مطابق با ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، زوجه به مجرد انعقاد عقد نکاح، مالک مهر می‌شود و برخلاف نفقه، مانعی همچون نشوز، زوجه را از دریافت نفقه محروم نمی‌کند. چنانچه میزان مال موضوع مهر با توافق زوجین یا توسط یکی از آنها یا ثالث تعیین شود، آن را در اصطلاح مهرالمسمی می‌نامند (روشن، ۱۴۰۰، ۱۸۹). در این رابطه، قانونگذار در ماده ۱۰۹۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد در صورتی که زوجه، مسئول تعیین مهر المسمی شود، مقدار موردنظر او نباید از مقدار مهرالمثل تجاوز نماید. علاوه بر این، درباره تعیین مهر توسط ثالث نیز بایستی بیان داشت که در صورت فوت وی پس از نزدیکی زوجین و قبل از تعیین مهر، حقوقدانان نظرات مختلفی دارند. بعضی همچون دکتر جعفری لنگرودی، زوجه را مستحق دریافت مهر المثل دانسته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۱۴۰). در مقابل، دکتر امامی و دکتر کاتوزیان در دیدگاهی دیگر، تعیین آن را وظیفه دادگاه در نظر گرفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۱۳۴). آنچه موجب تأیید این دیدگاه می‌شود، آن است که زوجین با علم به مهر رایج و متعارف و این که عدم تعیین مهرالمسمی موجب استقرار مهرالمثل بر ذمه زوج پس از نزدیکی می‌شود، تصمیم به در نظر گرفتن شخص ثالث برای تعیین مهرالمسمی گرفته‌اند. بنابراین، نباید این توافق و تراضی زوجین را نادیده گرفت و چنین نظر داد که به محض فوت ثالث به عنوان داور، زوج متعهد به پرداخت مهرالمثل است.

در پایان ضرورت دارد تا به شبهه‌ای تحت عنوان فروش دختر مسلمان در ازای دریافت مهر که به منظور تقبیح شریعت اسلامی مطرح شده، اشاره کرد. در پاسخ بایستی بیان داشت که مطابق با ماده ۳۳۹ قانون مدنی خریدوفروش زمانی صحیح است که بهای کالا معلوم و معین باشد و توافق طرفین در این باره محقق شود. این در حالی است که امکان انعقاد عقد نکاح دائم به صورت صحیح و بدون تعیین مهر وجود دارد (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ۱۵۷). دکتر کاتوزیان نیز رابطه موجود میان مهر و تمکین زوجه را همچون رابطه عوض و معوض در عقود مالی معوض ندانسته و اعتقاد داشت که شخص حقیقی را نمی‌توان موضوع حق در نظر گرفت (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۱۳۱). در حقیقت، همان‌طور که در کتب فقهی و لغت عرب اشاره شده، مهر را که به صداق نیز شهرت دارد، نشانه حسن نیت زوج نسبت به زوجه می‌دانند و این تأسیس حقوقی در شریعت اسلامی و نظام حقوق خانواده جمهوری اسلامی ایران، به منزله تکریم جایگاه زنان، نه تحقیر آنان، به شمار می‌رود.

پ- اجرت المثل

با استناد به تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی، زوجه در صورتی که کارهایی را که از نظر شرع بر عهده او نیست و عرف، اجرت المثلی را برای آن در نظر گرفته است، به دستور زوج و بدون قصد تبرع انجام دهد، مستحق دریافت اجرت المثل است. علاوه بر این، ششمین تبصره از قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ هم، زوج را در صورت حصول شرایط مذکور در ماده فوق، متعهد به پرداخت اجرت المثل دانسته است. پرسشی که در این جا ضرورت دارد، بدان پاسخ داده شود، میزان اجرت المثل است که مطابق با دیدگاه یکی از حقوقدانان، معیار آن، جایگاه زوجه نیست (روشن، ۱۴۰۰، ۲۰۹) و این موجب تمایز اجرت المثل از نفقه می‌شود. البته نحوه نگارش تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی، چالش‌هایی را برای زوجه ایرانی ایجاد کرده است، زیرا عبارت «شراً برای آن کار اجرت المثل باشد»، عرف را به عنوان ضابطه‌ای مهم برای تمیز آنچه اجرت المثل بدان تعلق می‌گیرد، دانست که در عمل، نقشی انکارناپذیر را به عرف اعطاء کرده است. به همین دلیل است، یکی از محققان اعتقاد دارد نتیجه این عملکرد، ایجاد مشکلاتی برای زوجه‌ای است که قصد دارد تا حقوق خود را اعمال کند، زیرا متناسب با عرف جامعه ایرانی، زوجه متعهد به ایفای تعهدات خانه داری است و او را به دلیل انجام این کارها، مستحق دریافت مبلغی نمی‌دانند (محمدی آرانی، ۱۳۹۳، ۱۶۴). علاوه بر این، به کارگیری عبارت «با قصد عدم تبرع انجام داده باشد»، موجب بروز اختلاف نظر در آرای صادره از محاکم شده است. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۲۰۱۹۵۰ به تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ مطالبه اجرت المثل به عنوان دلیلی برای عدم تبرع زوجه لحاظ و وی را از اقامه دلایل دیگر معاف کرده است.^۵ در نظری مخالف، دادنامه دیگری با شماره ۹۳۰۹۹۸۲۱۶۴۸۰۱۱۵۱ که در تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۲۲ صادر شده و قصد زوجه از مبادرت به امور خانه داری را تبرع فرض و بار اثبات عدم تبرع را بر عهده زوجه گذاشته است.^۶

به عنوان جمع بندی باید بیان کرد که با توجه انتقادات فوق الذکر نسبت به تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی و اختلاف آرای صادره توسط محاکم، ضروری است تا اصلاحیه‌ای در مورد این تبصره صورت بگیرد یا قانونگذار به تصویب ماده‌ای جدید اقدام کند. هر چند قانونگذار با تصویب آنچه بدان اشاره شد، درصدد احقاق حقوق زنان بود، ولی نحوه نگارش مصوبات مذکور نتوانست تماماً به نفع زنان منتهی شود. دکتر صفار نیز شیوه قانون نویسی و طریقه اثبات اجرت المثل برای زوجه را دارای اشکال دانسته است (صفار، ۱۳۹۰، ۹۷).

۵- سامانه ملی آرای قضایی

۶- سامانه ملی آرای قضایی

۲-۳-۱- حقوق مالی زوجه پس از انحلال نکاح

الف - نفقه مطلقه

پس از انحلال ازدواج، به ترتیب نفقه زوجه در دوره عدۀ طلاق و وفات، اجرت المثل و نحلۀ برای زوجه لحاظ شده است. همان‌طور که در ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی مقرر شده، انحلال عقد نکاح به موجب فسخ، طلاق یا بذل مدت ممکن است. قانونگذار در ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی، مطلقه رجعیۀ در زمان عدۀ را مگر در حالتی که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد، مستحق دریافت نفقه می‌داند. ادامه ماده مقرر می‌کند که زوجه غیر حامل در عدۀ از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن، حتی برای دریافت نفقه ندارد. تعلق نفقه به حمل یا زوجه مورد سؤال قرار گرفته و فقهای امامیه دیدگاه‌های مختلفی را ارائه کردند. قانون مدنی به صورت شفاف به این پرسش پاسخ نداده است. دکتر جعفری لنگرودی این نفقه را از آن حمل دانسته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ۱۷۹). دکتر روشن به دلیل مستثنا شدن نفقه زوجه^۷، نفقه را متعلق به زوجه می‌داند (روشن، ۱۴۰۰، ۱۷۹). دکتر کاتوزیان نیز در تأیید این نظر، به مستقل نبودن وجود جنین اشاره و قائل به استحقاق زوجه به دریافت نفقه بود (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۱۸۱).

ب- نفقه در عدۀ وفات

بر اساس ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی، با فوت زوج، نفقه‌ای به زوجه در عدۀ وفات تعلق نخواهد گرفت و هزینه‌های وی بر عهده اقارب است. دکتر صفایی و دکتر اسدالله امامی محرومیت زوجه حامل در عدۀ وفات را غیرمنصفانه تعبیر می‌کنند (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ۱۵۱). این مناقشات ممکن است ایده تسری حکم ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی به ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی را مطرح کند. دکتر کاتوزیان قیاس این دو ماده را ممکن ندانسته است (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۱۸۲). دکتر روشن نیز استحقاق زوجه حامل به نفقه در عدۀ طلاق بائن و فسخ نکاح را استثنایی دانسته و رأی به عدم امکان تسری این استثناء به موارد مشابه می‌دهد (روشن، ۱۴۰۰، ۱۸۰). در مقابل، برخی از حقوقدانان، انتقاداتی را نسبت به این دیدگاه و ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی مطرح کرده‌اند. در ابتدا، دکتر مهرپور و همکاران، ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی را موجب خلط مفاهیم نفقه زوجه و اقارب می‌دانند و عدم تبیین اقارب زوج یا زوجه را نشانه شفاف نبودن ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی در نظر می‌گیرند (مهرپور و همکاران، ۱۳۹۱، ۵۱). دکتر صفار هم پیشنهاد اصلاح ماده مذکور را مطرح و زوجه حامل در عدۀ وفات را مستحق دریافت نفقه دانسته است (صفار، ۱۳۹۰، ۸۳). در مقام مقایسه به نظر می‌رسد با توجه به استثنایی بودن حکم مزبور، بایستی به نص پایبند بود و قول حقوقدانانی چون دکتر کاتوزیان و دکتر روشن را پذیرفت.

۷- نه نفقه حمل

پ- نحله

مطابق با تبصره ششم از قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱، در صورتی که اولاً؛ طلاق به درخواست زوجه و به دلیل تخلف وی از ایفای تعهدات همسری یا سوء معاشرت نباشد؛ ثانیاً، زوجه کارهایی را که از نظر شرع بر عهده او نبوده، به قصد عدم تبرع و به دستور شوهر انجام داده باشد، ثالثاً، میان زوجین درباره آن مصالحه صورت نگیرد، رابعاً، زوجه نتواند اجرت المثل کارهایی که برای شوهر انجام داده است، را به دست آورد، دادگاه زوج را به پرداخت مبلغی به عنوان بخشش (نحله)، متناسب با سال‌های برقراری زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در منزل مشترک انجام داده، مکلف می‌سازد. جستجو در متون فقهی و حقوقی نشان می‌دهد که نحله از معنای اصلی خود که همان «بخشش بدون دریافت عوض» یا «بخشش بدون چشم داشت» است، دور شد و آن را بایستی تأسیس حقوقی جدیدی در نظام حقوق خانواده جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفت. نحله که در آیه شریفه چهارم سوره مبارکه نساء قابل مشاهده است را به عنوان مالی که به دیگری اعطاء و عوضی در قبال آن مطالبه نمی‌شود، تعریف کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ۶۵۰) و (الأزهری، ۲۰۰۱، ج ۵، ۴۲) و (محمد بن السید حسن، ۱۹۸۱، ۱۰۱). زبیدی نیز همچون دیگر لغت دانان عرب، پرداخت مهر زوجه از روی طیب نفس و بدون مطالبه عوضی را نحله نامیده است (زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ۴۶۳). برخی هم آن را به عنوان دین در نظر گرفتند، زیرا معادل عبارت «علی به زید بدهکار است» در زبان عربی برابر است با «علی یتحل زیداً» (غلام ثعلب، ۱۴۲۳ق، ۱۹۶). از میان معانی مذکور، معنای اول که بخشش بدون دریافت عوض است، رواج دارد. طرفداران اجباری بودن پرداخت نحله و ابتنای آن بر شریعت اسلامی، به روایاتی از ائمه (علیهم السلام) استناد کرده‌اند. از جمله این روایات می‌توان به روایات زیر اشاره کرد: اول- امام علی (ع) می‌فرماید: «جز زنی که از طریق طلاق خلع از همسرش جدا شده، به دیگر زنان مطلقه متعه تعلق دارد» (محدث نوری، ۱۳۶۸، ج ۱۵، ۹۱). در سلسله روایان این روایت، شخصی به نام حسین بن علوان دیده می‌شود (طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۱، ۲۶۳). صفاتی چون «کذاب»، «بسیار ضعیف بودن روایات»، «جاعل حدیث» و «بازگوکننده روایات ساختگی» به او منتسب شده است (عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ۲۹۹) و (معرفت، ۱۳۹۰، ۱۹۲). بنابراین با ملاحظه نکته فوق، نمی‌توان این روایت را مورد استناد قرار داد. دوم- امام باقر (ع) می‌فرماید: «(بر مردان واجب است) که (مبلغی را تحت عنوان) متعه به زنان بپردازند. (تفاوتی ندارد) که (آن زنان) مدخوله باشند یا غیرمدخوله». شیخ حر عاملی ضمن آوردن این روایت در کتاب خود، استحباب مؤکد را از آن برداشت کرده است (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱، ۳۱۲). سوم-

امام صادق (ع) می‌فرماید: «پرداخت متعه به زن مطلقه واجب است» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳، ۱۲۲۳). توجه به روایان این روایت، تردیدها در مورد این روایت را رفع می‌کند. سلسله روایان این روایت به صورت «علی، عن آیه و العده، عن سهل، عن الزنطی قال: ذکر بعض أصحابنا» ذکر شدند. روایتی را که در آن، به یک یا چند نفر از سلسله روایان اشاره نشده (مصطفوی، ۱۳۹۰: درس خارج فقه) و ارتباط میان رجال آن قطع گردد، مرسل گویند. روایت مذکور نیز مرسل است. از آنجایی که تعداد زیادی از علمای امامیه همچون محقق حلی، علامه حلی و شهیدین قائل به عدم اعتبار روایات مرسل هستند، (موسوی غریفی، ۱۴۰۶ق، ۷۳) لذا بایستی بر عدم حجیت روایت منتسب به امام صادق (ع) اعتقاد داشت. برغم آن که در نظام حقوق خانواده ایران، دادگاه، زوجی را که با توجه به شرایط قانون فوق الذکر، به پرداخت نحله مکلف می‌سازد، بایستی بیان داشت که این تأسیس حقوقی با آنچه در فقه امامیه وجود دارد، متفاوت است و صرف وجود شباهت ظاهری دو لفظ، نباید این توهم را ایجاد کند که این دو یکسان هستند. از میان روایات فوق، دو روایت حجیت نداشته و روایت دیگر، مطابق با دیدگاه شیخ حر عاملی بر استحباب مؤکد (و نه وجوب که در قانون ایران آمده است) حمل می‌شود. ویژگی‌هایی چون عقد بودن هبه و بالتبع نیاز آن به وجود دو اراده، موجب می‌شوند تا نتوان نحله را دارای ماهیتی یکسان با عقد هبه به عنوان یکی از عقود معین در قانون مدنی ایران نامید. از این رو، یکی از حقوقدانان برای حل چالش مذکور، با پذیرش نحله به عنوان نوعی هبه به معنای اعم، آن را هبه و بخشش اجباری در نظر می‌گیرد (روشن، ۱۳۹۰، ۱۱۹).

ت- حمایت‌های دولتی

مطابق با ماده ۲ اساسنامه سازمان کمیته امداد امام خمینی (ره)، این نهاد در راستای حمایت از نیازمندان و محرومان از جمله زنانی که با معضلات پس از انحلال نکاح مواجه هستند، به «ارائه خدمات اجتماعی، حمایتی، فرهنگی و معیشتی به آنان» می‌پردازد. همچنین، جمهوری اسلامی ایران با تأسیس سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۵۹ گامی دیگر را برای حمایت از زنان مذکور برداشت. در میان نهادهای مذکور، تنها، سازمان بهزیستی کشور است که به عنوان سازمان دولتی، کار ویژه پشتیبانی از زنان بی‌سرپرست مواجه با چالش‌های اقتصادی پس از انحلال نکاح را دنبال می‌کند و وجود نهادهای دیگر چون سازمان کمیته امداد امام خمینی (ره) که وظیفه حمایت از تمام فقرا^۸ را بر عهده دارد، نوعی تکثر سازمانی که منتهی به تعارض منافع شده، در پی داشته است. این تکثر نه تنها در میان نهادهای اجرایی؛

بلکه در بین نهادهای قانونگذار و سیاستگذار در حوزه خانواده همچون مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری هم وجود دارد. لذا یکی محققان، پیشنهاد می‌کند که «سامانه‌ای گسترده و فراگیر» برای ارائه خدمات به زنان آسیب پذیر مزبور و فرزندان شان ایجاد شود (محمدتقی زاده، ۱۳۹۶، ۲۱۳).

۳-۳-۱- نظام جدایی اموال زوجین

با استناد به آنچه تاکنون بیان شد، اصل استقلال مالی زوجین در نظام حقوق خانواده جمهوری اسلامی ایران تجلی یافته است و برخلاف دیگر نظام‌های حقوق خانواده غربی، مفهومی به نام دارایی مشترک درباره اموال حاصله پس از نکاح دائم، وجود ندارد. گرچه در ظاهر، استقلال مالی زوج، زوج را از تصرف در اموال او باز می‌دارد که خود به نفع زن تعبیر می‌گردد، لکن چالش‌هایی را در عصر حاضر برای عده‌ای از زنان ایرانی به ارمغان آورده است. مطابق با کتابی تحلیلی با عنوان بازتجدد زنان: فصل فاجعه یا شروع مجدد که در سال ۱۳۹۶ به رشته تحریر در آمد، در طلاق توافقی که زوجه متقاضی طلاق است، او برای دوری از تشریفات زمان بر طلاق، مجبور به گذشت از بخشی از حقوق خود می‌شود. در طلاق به درخواست زوج هم، این شوهر است که نقش فعال را در «تعیین مقدار و نحوه پرداخت حقوق زنان اعم از دارایی فردی نظیر طلاجات و وسایلی که در زندگی مشترک خریداری کرده اند» ایفا می‌کند. از این رو، حقوق مالی مفروض در نظام حقوق خانواده جمهوری اسلامی ایران، آن طور که باید نتوانسته حمایت‌های مطلوب را از زنان ایفاء کند. پس، ضرورت دارد تا تأسیسی حقوقی به نام نظام اشتراک اموال زوجین، در نظام حقوق خانواده ایران وارد شود (عنایت زاده، ۱۳۹۶، ۱۵۳). اکنون پرسشی که در این مقام به ذهن متبادر می‌شود، آن است که آیا کشورهای مصر، مراکش و تونس نیز همچون جمهوری اسلامی ایران، نظام جدایی اموال زوجین را پذیرفته‌اند، یا خیر؟

۳-۲- مصر

مصر در شمال شرقی آفریقا، جنوب دریای مدیترانه و غرب دریای سرخ قرار دارد و به واسطه حضور اکثریت اهل سنت، اسلام به عنوان دین رسمی این کشور تعیین شد. بعد از بهار عربی و قدرت گرفتن اسلام‌گرایان اخوانی، قانون اساسی مصر در سال ۲۰۱۴ میلادی به تصویب رسید و مجدداً اصلاحاتی در آن در سال ۲۰۱۹ میلادی اعمال شد. مطابق با دومین اصل از این قانون، شریعت اسلامی، مبنای قانونگذاری در سیستم حقوقی مصر است. در حوزه حقوق خانواده که در غالب کشورهای عربی، تحت عنوان الأحوال الشخصية نامبردار است، مطابق با نخستین ماده از قانون شماره ۶۸ مصوب سال ۱۹۵۵

می‌لادی، دادگاه‌های بدوی صلاحیت رسیدگی به دعاوی احوال شخصیه را دارند و با استناد به قوانین احوال شخصیه که در شماره‌های متعدد و سال‌های مختلف به تصویب رسیده‌اند، به موضوعات مرتبط رسیدگی می‌کنند. از جمله قوانین و مقررات مربوط به احوال شخصیه، می‌توان به قوانینی از قبیل قانون احوال شخصیه شماره ۲۵ مصوب ۱۹۲۰ می‌لادی، قانون احوال شخصیه شماره ۲۹ مصوب ۱۹۲۹ می‌لادی، قانون احوال شخصیه شماره ۱۰۰ مصوب ۱۹۸۵ می‌لادی، قانون احوال شخصیه شماره ۴ مصوب ۲۰۰۵ می‌لادی و قانون احوال شخصیه شماره ۲ مصوب ۲۰۰۶ می‌لادی اشاره کرد. نکته لازم به ذکر، آن است که در صورت سکوت قوانین، آراء احناف، معیار قضاوت است. این معیار، در ماده ۳ از قانون احوال شخصیه شماره یک که در سال ۲۰۰۰ می‌لادی به تصویب رسید، قابل مشاهده است و قانونگذار مصری در آن جا مقرر داشت «قوانین احوال شخصیه و وقف، (در سیستم حقوقی) مصر مبتنی بر مذهب حنفی است». علاوه بر این، ماده مزبور، رعایت اصول متداوله مذهب زوجین مصری غیرمسلمان را ضروری دانست.

بعد از بهار عربی و تحرک جنبش‌های حقوق زنان در بعضی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، گروه‌هایی به دنبال احیای حقوق زنان در مصر فعال شدند. با قدرت‌گیری ژنرال السیسی، دولت مصر با همکاری مجلس این کشور، به دنبال اعمال اصلاحاتی درباره حقوق زنان و گام نهادن در مسیر تحقق اهداف مندرج در برنامه ۲۰۳۰ اقداماتی را انجام داده است که از جمله آن‌ها می‌توان به طرح مجلس مصر برای قانون جدید احوال شخصیه که در سال ۲۰۱۷ می‌لادی تدوین شد، اشاره کرد که تصویب و لازم الاجرا شدن آن، با مقاومت نهاد قدرتمند مذهبی (جامعه الأزهر الشریف) مواجه شده است. این طرح که متضمن ۱۲۵ ماده است، حداقل سن ازدواج را هجده سال ذکر می‌کند. مطابق با ماده ۱۹، اموال حاصله بعد از انعقاد عقد نکاح، به مجرد طلاق یا انحلال نکاح، به صورت مساوی یا مطابق با تراضی طرفین در عقد نامه تقسیم می‌شود. به دیگر سخن، در نظام حقوق خانواده مصر همچون جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی واقع در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، نظام جدایی اموال زوجین حاکم است که پارلمان مصر در طرح سال ۲۰۱۷ می‌لادی به دنبال تعدیل آن و جایگزینی دیگر نظام‌های مالی زوجین بود که تاکنون به موفقیت منتهی نشده است.

دیگر تغییری که در این طرح به چشم می‌خورد، استحقاق زوجه به استمرار حضانت از فرزند خود، برغم ازدواج مجدد است. هرچند این اصلاحات، در مقایسه با قوانین احوال شخصیه در مصر که تاکنون به تصویب رسیدند، بدیع به شمار می‌روند، لکن تاکنون به تصویب نرسیده است. به عنوان نمونه شیخ الأزهر در انتقاد به طرح پارلمان مصر، اعلام کرد که «اشخاص فاقد تخصص درباره شریعت اسلامی، نباید

به تصویب قانون در حوزه خانواده که از جمله نهادهای مورد توجه اسلام است، پیرا دارند.^۹ به نظر می‌رسد با توجه به ارزیابی طرح پیشنهادی مجلس که در راستای اعمال اصلاحاتی از قبیل نظام اشتراک اموال زوجین، گام برداشته است، مخالفت جامعه الأزهر الشریف، نه از باب منافات این طرح با شریعت اسلامی؛ بلکه از برای نقش آفرینی انحصاری و یگانه در فرایند تهیه و تدوین قوانین و مقررات در حوزه‌های حقوق خانواده و وقف است. حقوق مالی زوجه در طول نکاح، تا حدودی شبیه به نظام حقوق خانواده جمهوری اسلامی ایران، مشتمل بر نفقه و مهر است که در این جا بدان اشاره خواهد شد.

الف - نفقه

مطابق با نخستین ماده از قانون احوال شخصیه شماره ۲۵ که در سال ۱۹۲۰ میلادی به تصویب رسید، در دوره برقراری رابطه زوجیت ناشی از عقد نکاح به صورت صحیح، زوجه مکلف است که خود را به زوج تسلیم کند و در ازای این تکلیف، مستحق دریافت نفقه می‌شود. نکته قابل توجه، آن است که با توجه به اسلامی بودن قوانین احوال شخصیه مصوب در مصر، قاعده بنیادین بی‌تأثیر بودن وضعیت مالی زوجه در میزان نفقه حکمفرما است. دیگر موارد مستفاد از این ماده عبارتند از: زوجه در صورت ارتداد، تمکین خاص نکردن و خروج بدون اذن از خانه مشترک محروم از دریافت نفقه می‌شود؛ زوجه در صورت تصدی شغلی مشروع که منافاتی با مصالح خانواده ندارد، کماکان مستحق دریافت نفقه است. نفقه زوجه، تنها در صورت ایفای تعهد از سوی زوج یا ابراء توسط زوجه، ساقط نمی‌شود. علاوه بر این، ماده ۷۷ از قانون تنظیم بعضی اوضاع و اجراءات التقاضی فی المسائل الأحوال شخصیه، شماره یک مصوب ۲۰۰۰ میلادی، نفقه زوجه را بر نفقه اقارب مقدم معرفی کرده است. مطابق با رأی صادره از دیوان عالی مصر در چهارم ژانویه ۱۹۸۶ میلادی، زوج متعهد به پرداخت نفقه مطلقه در دوران عده است. این رأی مقرر داشته است: «ارتداد، فوت یا خروج زوجه از مسکن مشترک بدون اذن زوج، موجب سقوط حق دریافت نفقه این دوران می‌شود».^{۱۰} مضافاً، ماده ۱۸ مکرر از قانون احوال شخصیه شماره ۲۵ مصوب ۱۹۲۹ میلادی فرضی جدید و بی‌سابقه در نظام حقوق خانواده مصر تا آن زمان را مطرح کرد. بر اساس این ماده، «طلاق به درخواست زوج، زوجه را مستحق دریافت نفقه‌ای معادل با نفقه دو سال آینده و بیشتر از نفقه طول مدت عده می‌کند».

۹- تارنمای خبرگزاری الجزیره

۱۰- سامانه دیوان عالی مصر

ب- مهر

از میان مواد متعدد قوانین احوال شخصیه مصوب در نظام خانواده مصر، نوزدهمین ماده از قانون احوال شخصیه شماره بیست و پنج که در سال ۱۹۲۹ میلادی به تصویب رسیده، به اختلاف زوجین درباره مقدار مهر اشاره کرده است. این ماده مقرر می‌دارد: «در صورت اختلاف زوجین در میزان مهر، زوج باید بینه‌ای را اقامه نماید والا، قول زوج مقدم خواهد بود». با توجه به فقدان مواد دیگر و ابتدای قانون احوال شخصیه بر مذهب حنفی، قضات مصری، آرای قضایی را بر اساس فتوای جمهور فقهای حنفی صادر می‌کنند. از جمله این فتاوی، می‌توان فتوای مشهور احناف درباره زنانی که بایستی در تعیین میزان مهرالمثل مورد توجه قرار گیرند، اشاره کرد. در این فتوای مشهور، فقهای حنفی، زنان مزبور را زنانی می‌دانند که از خانواده پدری زوج هستند (الجزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ۱۱۸). این در حالی است که حنبلی‌ها و مالکی‌ها، در نقطه مقابل، تفاوتی میان خویشاوند و بیگانه بودن زنی که به عنوان معیار قرار می‌گیرد، قائل نیستند (السیواسی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ۴۷).

پ- حمایت‌های دولتی

حمایت از زنان مصری، تنها به حقوقی چون نفقه و مهر محدود نمی‌شود. صندوق حمایت از خانواده^{۱۱} در سال ۲۰۰۴ میلادی، با هدف همکاری با بانک رفاه اجتماعی^{۱۲} به منظور حمایت از زنان محروم از دریافت نفقه به دلیل اعسار، فوت یا امتناع زوج از پرداخت نفقه و طلاق تأسیس شد. مطابق با اساسنامه این صندوق، زنان متقاضی دریافت تسهیلات مزبور، مکلف به طرح دعوی مبنی بر دریافت نکردن نفقه در دادگاه‌های مصر و ارائه رأی صادره به پیوست اوراق هویتی خود و لدی اةقتضاء فرزندان، به صندوق حمایت از خانواده هستند.^{۱۳}

۳-۳- مراکش

مراکش که از آن به مغرب نیز تعبیر می‌شود، کشوری است که در شمال آفریقا واقع شده که از شرق با کشور مسلمان الجزایر هم مرز است و سال‌ها فرانسوی‌ها در آن حضور داشتند (تارد، ۱۹۱۹، ۱). این کشور که حکومت آن پادشاهی است، از تغییرات حاصل از بهار عربی، مصون ماند، لکن اصلاحات عدیده‌ای در نظام سیاسی، سیستم حقوقی و سبک زندگی مردم مراکش در طول حکومت پادشاهی

۱۱- صندوق تأمین الأسرة

۱۲- بانک الناصر اجتماعی

۱۳- تارنمای صندوق حمایت از خانواده

مشروطه در این کشور اعمال شده‌اند. با توجه به تمرکز این پژوهش بر نظام حقوق خانواده و حقوق مالی زوجین، نکاتی دربارهٔ رویکرد نوین نظام حقوق خانوادهٔ مراکش بیان می‌شوند. مهم‌ترین ویژگی در این نظام حقوقی، ریاست خانواده است که برخلاف کشورهای اسلامی ایران، مصر، تونس و دیگر کشورهای واقع در منطقهٔ خاورمیانه و شمال آفریقا، نه به شوهر؛ بلکه به زوجین تعلق دارد. بند سوم مادهٔ ۵۱ قانون خانواده شمارهٔ ۷۰،۰۳ به عنوان مهم‌ترین قانون حاکم بر روابط زوجین، مسئولیت ادارهٔ امور خانواده و فرزندان را بر عهدهٔ زوجین قرار داده است.

۱-۳-۳- حقوق مالی زوجه در زمان زوجیت

الف - نفقه

مطابق با مادهٔ ۱۸۷ قانون خانوادهٔ مراکش، زوجیت به عنوان یکی از اسباب نفقه به شمار می‌رود که زوجه در صورت نزدیکی پس از انعقاد عقد نکاح، مستحق دریافت آن می‌شود. آنچه ذکر آن اهمیت دارد، میزان نفقه است. توضیح بیشتر آن که مادهٔ ۱۸۹ قانون خانوادهٔ مراکش ضمن ذکر مصادیق نفقه که شامل خوراک، پوشاک، درمان و کلیهٔ هزینه‌های ضروری زندگی می‌شود، توانایی مالی زوج به عنوان متعهد به پرداخت نفقه، جایگاه زوجه، وضعیت اقتصادی جاری کشور و عرف را به عنوان ملاک‌هایی برای تعیین میزان نفقه معرفی کرده که این خود نشان از پیشرو بودن نظام حقوق خانوادهٔ مراکش در مقایسه با دیگر کشورهای اسلامی واقع در منطقهٔ خاورمیانه و شمال آفریقا دارد، زیرا در هر دوره، اقتضات زمانی و مکانی متناسب با وضعیت اقتصادی کشور و سطح درآمد شهروندان، بایستی مورد توجه سیستم حقوقی به ویژه نظام حقوق خانواده قرار گیرد. چنانچه نکاح در اثر طلاق رجعی منحل شود، مطلقه در منزل تهیه شده توسط زوج، ساکن می‌شود و عده می‌گذراند. بر اساس مادهٔ ۱۹۶ قانون خانوادهٔ مراکش خروج زوجه بدون موافقت زوج و عذر موجه، موجب سقوط حق دریافت نفقه می‌شود. علاوه بر این، مادهٔ مزبور مقرر داشته که در طلاق بائن هم به زوجهٔ حامل، نفقه‌ای تا زمان وضع حمل تعلق می‌گیرد.

ب- مهر

همان‌طور که پیش از این بدان اشاره شد، مهر که در متون فقهی و عربی، بیشتر به صداق یاد می‌شود، نشانهٔ حسن نیت و علاقهٔ طرفین به یکدیگر است. به همین منظور، مادهٔ ۲۶ قانون خانوادهٔ مراکش، مهر را به عنوان مالی که به منظور اظهار محبت زوج به زوجه تسلیم می‌شود و ملاک آن قیمت معنوی است، معرفی کرده است. این وصف معنوی بودن، نشان می‌دهد که زوج می‌تواند هر چه را که از نظر قانونی و شرعی مالیت دارد، در قالب مهر، به زوجه تقدیم کند. نکتهٔ لازم به ذکر دیگر آن است که علی‌الأصول، زوجین

بایستی میزان مهر را حین العقد تعیین کنند. در صورت عدم اشاره به مهر در عقد نکاح، دادگاه صالح، مطابق با ماده ۲۷ قانون مدنی به تعیین مهر می‌پردازد. علاوه بر این، قانون مزبور به اختلافات ناشی از مهر نیز اشاره کرده است. مطابق با ماده ۳۳ قانون خانواده مراکش، در صورت بروز اختلاف میان زوجین در قبض مهر پیش از وقوع نزدیکی، قول زوجه مقدم می‌شود. فرض دیگری که قانونگذار مراکشی در این ماده مورد توجه قرار داده، اختلاف زوجین در قبض مهری است که تسلیم آن در زمان خاصی صورت می‌گیرد که از آن به صدق مؤجل یاد می‌شود. در این حالت، این زوج است که بایستی به عنوان مدعی، دلیلی را برای اثبات ادعای خود اقامه نماید.

۲-۳-۳- حقوق مالی زوجه پس از انحلال نکاح

الف - تضمین و متعه

حمایت از زوجه، محدود به دوره برقراری رابطه زوجیت ناشی از عقد نکاح صحیح نمی‌شود. در صورت درخواست طلاق، که مطابق با قانون خانواده مراکش تشریفاتی قابل توجه و تا حدودی متفاوت با دیگر نظامات حقوق خانواده کشورهای عربی اسلامی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به مراجعه به دادگاه برای صدور اذن برای طلاق، حضور دو شاهد عادل منتصب از سوی قاضی (ماده ۷۹ قانون خانواده مراکش)، نقش آفرینی حکمین به منظور رفع اختلاف و صلح آن (ماده ۸۱ قانون خانواده مراکش) اشاره کرد، مطابق با ماده ۸۳ قانون خانواده مراکش، زوج متعهد به پرداخت مبلغی به زوجه که تحت عنوان تضمین نامبردار است، می‌شود. قانونگذار، در ماده ۸۴ قانون خانواده مراکش، این مبلغ را از برای مقدار باقیمانده از مهر که تاکنون به زوجه پرداخت نشده است، نفقه دوره عده و مبلغی با عنوان متعه که متناسب با مدت ازدواج و وضعیت مالی زوج تعیین می‌شود، معرفی کرده است. تأسیس حقوقی متعه از جمله ابتکارات نظام حقوق خانواده مراکش است که در راستای حمایت از زوجه، پس از انحلال عقد نکاح لحاظ شده است.

ب - حمایت‌های دولتی

این حمایت‌ها در قالب نهادی دولتی تحت عنوان نظام الضمان اجتماعی به شهروندان واجد شرایط ارائه می‌شوند. این نهاد که در سال ۱۹۴۲ میلادی تأسیس شد، مطابق با ماده یک از مجموعه مقررات مرتبط با این نهاد حمایت‌گر، تسهیلاتی را به شهروندان ارائه می‌دهد. پانزدهمین ماده مقرر داشته است که متقاضیان دریافت از خدمات، بایستی در نهاد مذکور ثبت نام نمایند و پس از ثبت نام، تحقیقاتی به منظور راستی آزمایی متقاضیان و گزینش نیازمندان حقیقی، بر اساس ماده ۱۶ صورت می‌گیرد. مطابق با چهلمین ماده از این مجموعه مقررات، هر شخص مقیم مراکش، اعم از زن و مرد که مدت یکصدویست روز

(خواه متصل، خواه منفصل) از زمان ثبت نامش در این سازمان و فرایند طلاق سپری شود، پس از رعایت تشریفات اداری، از برای هر فرزند خود، مبلغی را دریافت می‌کند. لازم به ذکر است که مطابق با ماده ۴۱، میزان این مبلغ هرساله و با توجه به وضعیت اقتصادی تغییر می‌کند. علاوه بر این، خدمت دیگری که در این نهاد حمایتی ارائه می‌شود، به بازماندگان متوفی است. مستند به ماده ۵۷، اشخاصی همچون زوج یا زوجه، فرزندان تا سن شانزده سال یا بیست و یک سال در صورت ادامه تحصیل (در مراکش یا هر کشور دیگر) یا هجده سال تا زمان فراگیری حرفه و شغل و فرزندان معلول و مبتلا به بیماری‌هایی که موجب ناتوانی شخص از تصدی شغل می‌شود، که از نظر مالی به متوفی وابسته بودند، مستحق دریافت نفقه از صندوق ضمان اجتماعی هستند.

۴-۳-۳- نظام اشتراک اموال زوجین

چهل و نهمین ماده از قانون خانواده مراکش، مطابق با قاعده بنیادین در شریعت اسلامی (سومیه، ۲۰۲۲، ۹۷۰)، اصل را بر استقلال ذمه زوجین دانسته است. از این رو، آن‌ها آزادند تا هر طور که می‌خواهند در اموال شان تصرف کنند (أقاش، ۱۴۲۵ق، ۲۲). لکن، بنابر ضرورت پویایی حقوق و ارائه پاسخ مناسب به نیازهای جامعه و بررسی ابتکارات نظام‌های حقوق خانواده کشورهای توسعه یافته غربی، قانونگذار مراکشی را بر آن داشت تا تأسیس حقوقی نظام اشتراک اموال زوجین را در نظام حقوق خانواده این کشور لحاظ کند (الجيلالی، ۲۰۱۳، ۹۴). بر اساس ماده ۴۹ قانون خانواده مراکش، زوجین می‌توانند حین العقد و در قراردادی مستقل، بر اشتراک اموال حاصله^{۱۴} پس از وقوع نکاح، توافق و شروطی را ضمن آن درج نمایند. این توافق بایستی به صورت مکتوب و در حضور دو شاهد عادل واقع شود. بدیهی است، در صورت عدم تراضی زوجین در این باره، نظام جدایی اموال زوجین همچون غالب کشورهای اسلامی واقع در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بر روابط طرفین حاکم است. از آنجایی که قانونگذار مراکشی، ماهیت این عقد را مشخص نکرده، یکی از حقوق‌دانان عرب، عقد مزبور را عقدی مدنی و تشریفاتی فرض کرده است که طرفین در انعقاد آن و شروط مندرجه آزاد هستند (سومیه، ۲۰۲۲، ۹۷۴). مستند به مواد ۴۷ و ۴۸ قانون خانواده مراکش، تمامی این شروط در صورت مخالفت نکردن با مقتضای عقد نکاح، آثار آن و قوانین آمره، صحیح و لازم الاجرا تعبیر می‌شوند.

۱۴- هر آنچه به آن مال اطلاق می‌شود، جز اموالی از قبیل ارث، هبه و وصیت را در زمره اموال مشترک وارد می‌شود.

۳-۴- تونس

تونس، کشوری است که در منطقه شمال آفریقا و جنوب دریای مدیترانه قرار دارد و اکثریت مردم آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند که شصت درصد آن‌ها سنی مذهب هستند. با وقوع تظاهرات‌ها و ناآرامی‌های فراگیر در تونس که بعد از بهار عربی رخ دادند، زین العابدین بن علی که تا سال ۲۰۱۱ میلادی در این کشور حکومت می‌کرد، به عربستان سعودی گریخت و انقلابی‌ها زمام امور را به دست گرفتند. تصویب قانون اساسی جدید در سال ۲۰۱۴ میلادی در مجلس تونس، در حالی محقق شد که در این نهاد قانونگذاری، نه تنها اسلام‌گرایان؛ بلکه سکولارها که گروهی از آن‌ها در زمره مدافعان حقوق زنان به شمار می‌آمدند، عضویت داشتند. مهم‌ترین اصلاحیه در آخرین نمونه قانون اساسی متأخر در تونس، اصل‌های اول و سوم آن است. در اولین اصل، اسلام، تنها به عنوان دین رسمی کشور، نه مبنای قانونگذاری تعیین شد. قانونگذار تونسی، در اصل سوم از قانون اساسی، رأی مردم را مبنای قانونگذاری معرفی کرده که این رویکرد در تاریخ قانونگذاری کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بی‌سابقه است. این تغییر رویکرد، در قوانین دیگر نیز وارد شده است. بیشتر تغییرات تا زمان حکمرانی زین العابدین بن علی و تا سال ۲۰۱۰ میلادی رخ داد که از جمله آن‌ها می‌توان به اضافه شدن ماده ۵۶ مکرر به قانون احوال شخصیه مصوب سال ۱۹۵۶ میلادی اشاره کرد. این ماده قانونی، حبس تا سه ماه و جریمه نقدی از یکصد تا هزار دینار را به عنوان ضمانت اجرای تخلف از تعهد پرداخت نفقه فرزند در حضانت مادر، برای پدر معین کرد.

با روی کار آمدن اسلام‌گرایان تونسی و تعامل آن‌ها با گروه‌های سکولار، دغدغه حقوق زنان، بیش از پیش مورد توجه سیاست‌مداران قرار گرفت. قاعده السبسی به عنوان رئیس جمهور تونس در سال ۲۰۱۷ میلادی ضمن یک سخنرانی، بر ضرورت تغییر حقوق مصرحه زنان در نظام حقوق خانواده این کشور تأکید داشت و نظراتی بدیع و تعجب‌برانگیز را ارائه داد. او اعتقاد داشت که ضرورت دارد تا تغییراتی از قبیل برابری حصه زنان و مردان از ماترک باقی مانده متوفی (بولی، ۲۰۱۹، ۱۸) در قانون احوال شخصیه اعمال شوند. بنابراین، به منظور اعمال اصلاحات مذکور که مورد قبول گروهی از نمایندگان مجلس تونس نیز قرار گرفت، طرحی با همکاری کمیسیون حقوق بشر مجلس این کشور، تهیه شد.^{۱۵} این طرح، انتقادات گروه‌های اسلام‌گرای سستی را برانگیخت، زیرا آن‌ها این رویکرد جدید را به مثابه اجتهاد

در مقابل نص تعبیر کردند.^{۱۶} این اعتراضات کافی بود تا طرح مزبور همچون طرح جدید مصری‌ها به تصویب نرسد. بنابراین، کماکان قانون احوال شخصیه مصوب ۱۹۵۶ میلادی به همراه اصلاحات سال‌های ۱۹۵۸، ۱۹۶۴، ۱۹۹۳، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ میلادی لازم‌الاجرا است. حقوق مالی زوجه مسلمان تونس در دوره استمرار عقد نکاح، همچون زنان مسلمان ایرانی و مصری، به نفقه و مهر محدود می‌شود.

۱-۳-۴- حقوق مالی زوجه در زمان زوجیت

الف- نفقه

مطابق با سی و هفتمین ماده از قانون احوال شخصیه مصوب ۱۹۵۶ میلادی، زوجیت، سبب نفقه است و بر اساس ماده بعد، زوج به مجرد انعقاد عقد نکاح و تمکین خاص زوجه، مکلف به پرداخت نفقه است. ماده ۳۹ از قانون مزبور نیز، به وقوع طلاق پس از اعسار یا امتناع زوج از پرداخت نفقه زوجه و انقضای مهلت دو ماهه قضایی، اشاره کرده است. از جمله رویکردهای نوین نظام حقوق خانواده تونس در مقایسه با دیگر نظامات، از جمله جمهوری اسلامی ایران و مصر، میزان نفقه زوجه است که مطابق با ماده ۵۲ قانون احوال شخصیه مصوب ۱۹۵۶ میلادی متناسب با وضعیت زوجین، نه فقط زوجه، تعیین می‌شود.

ب- مهر

سومین ماده از قانون احوال شخصیه مصوب ۱۹۵۶ میلادی، انعقاد نکاح را منوط به تراضی زوجین، حضور دو شاهد عادل و تعیین مهر دانسته است. ماده ۱۲ از قانون مزبور، هرچه مالیت دارد، را به عنوان موضوع مهر در نظر گرفته و سیزدهمین ماده از این قانون نیز مقرر کرده است: «زوجه می‌تواند تا پیش از دریافت مهر خود، از حضور در مسکن مشترک امتناع کند». زوجه در صورت صحت نکاح، مالک مهر می‌شود. از این رو، بر اساس ماده ۲۲ قانون احوال شخصیه مصوب ۱۹۵۶ میلادی، با فساد عقد نکاح، عقد باطل می‌شود و «در صورت نزدیکی، زوجه مستحق دریافت مهرالمسمی معین حین العقد نکاح است. چنانچه مهرالمسمی تعیین نشده باشد، دادگاه نسبت به تعیین مهر اقدام می‌کند».

۲-۳-۴- حقوق مالی زوجه پس از انحلال نکاح

علاوه بر نفقه و مهر، حمایت از زنان تونس از طریق دیگری نیز محقق می‌شود. نخستین طرح حمایتی حکومت تونس، تسهیلات اعطایی از سوی صندوق تضمین نفقه است که به موجب قانون شماره شصت و پنج مصوب سال ۱۹۹۳ میلادی تأسیس شد. این نهاد دولتی مطابق با اساسنامه خود، به عنوان بازوی اجرایی

وزارت رفاه اجتماعی تونس و به منظور پرداخت نفقه به زنان مطلقه و فرزندان آنها فعالیت می‌کند. زنان تونس، حکم اعسار یا امتناع زوج از پرداخت نفقه را که دادگاه‌های صالح صادر می‌کنند، به پیوست اوراق هویتی، به صندوق مذکور ارائه می‌دهند. مطابق با سند مؤسس این صندوق، زوج در صورت ازدواج مجدد، دختر پس از ازدواج و پسر پس از رسیدن به سن رشد مستحق دریافت نفقه نخواهند بود. نکته قابل توجه آن است که اگر پسر، در حال تحصیل باشد، سن رشد او به جای هجده سال، بیست و پنج سال تعیین می‌شود و پدر کماکان متعهد به پرداخت نفقه اوست.

۳-۳-۴- نظام اشتراک اموال زوجین

علت انتخاب تونس، به عنوان یکی از کشورهای مورد مطالعه در این پژوهش، رویکرد نوین آن به نظام اموال زوجین است. همان‌طور که پیش از آن بدان اشاره شد، حضور فرانسوی‌ها در کشور تونس، تأثیر به سزایی را در سیستم حقوقی این کشور و نظام حقوق خانواده آن گذاشت که نمونه‌ای از آن، نظام اشتراک اموال زوجین است. این نظام، به مثابه نظامی اختیاری و منوط به تراضی زوجین محسوب می‌شود که مطابق با ماده نخست از قانون شماره نودوچهار که در سال ۱۹۹۸ میلادی به تصویب رسید، زوجین، آن را حین العقد یا پس از آن، انتخاب می‌کنند. بدیهی است که در صورت عدم تراضی یا اشاره نکردن زوجین به این نوع نظام مالی، نظام جدایی اموال زوجین بر روابط آنها حکم فرما خواهد بود.

نخستین پرسشی که بایستی بدان پاسخ داد، اموال مشمول این نظام است. ماده ۱۰ از قانون مزبور، در مقام پاسخ به این پرسش، اموال حاصله از طریق ارث، وصیت و هبه را مشمول نظام اشتراک اموال ندانسته است. علاوه بر این، چهارمین ماده از قانون شماره نودوچهار، مهر را به عنوان مال اختصاصی زوج در نظر گرفته که بالتبع در قلمرو دارایی مشترک زوجین وارد نمی‌شود. آنچه در نظام حقوق خانواده تونس، به عنوان مال مشترک تعبیر می‌شود، اموال غیرمنقول هستند که مطابق با ماده ۱۱ قانون شماره نودوچهار، قابل سکونت بودن، ویژگی املاک مشمول در نظام اشتراک اموال زوجین به شمار می‌رود (سومیه، ۲۰۲۲، ۹۶۷) و در صورت زیاد شدن قیمت و انتساب آن به عملکرد هر یک از آنها، چنانچه این زیادی، از قیمت کل ملک بیشتر باشد، زیادی به هر دو والا، به کسی که زیادی از عمل او ناشی شده، تعلق خواهد داشت. علاوه بر این، بایستی به دیون ناشی از اموال مشترک اشاره کرد که با استناد به سیزدهمین ماده از قانون شماره نودوچهار، زوجین، هر دو، متعهد به ادای آنها هستند که عوارض دولتی را می‌توان از جمله دیون مزبور دانست. با توجه به این نوع اموال، بایستی عقد مزبور را به عنوان عقد مدنی تشریفاتی همچون عقود مربوط به خرید و فروش املاک در نظر گرفت.

در پایان، ضرورت دارد به ختم نظام اشتراک اموال زوجین اشاره کرد. ماده ۱۸ قانون شماره نود و چهار در این باره مقرر کرده است: «با فوت هر یک از زوجین، طلاق، غیبت، مصادره اموال و تراضی زوجین نظام اشتراک اموال زوجین به پایان می‌رسد». مطابق با ماده ۲۵ این قانون، پس از تأدیة دیون ناشی از اموال اشتراکی، باقیمانده، به تساوی میان زن و مرد تقسیم می‌گردد. این رویکرد نوین و بی‌سابقه در کشورهای منطقه خاورمیانه، علاوه بر تونس، در کشوری چون مراکش نیز اجرا شده است و توانسته تا حدودی عدم تعادل میان وضعیت مالی زوجین پس از انعقاد عقد نکاح را جبران کند.

۴- رویکردی فقهی به نظام اشتراک اموال زوجین

۴-۱- فقه امامیه

اصل استقلال اموال زوجین در فقه امامیه بر روابط مالی زوجین حکومت می‌کند که خود مبتنی بر آیه شریفه سی و دوم سوره مبارکه نساء است. در تأیید این ادعا، شهید مطهری اعتقاد داشت که اسلام با در نظر گرفتن جایگاهی ویژه برای زوجه در مسائل مالی و اقتصادی، اموال وی را مصون از تصرفات زوج قرار داده و بدین صورت، زوجه مجبور به تأمین هزینه‌های خانواده نیست (مطهری، ۱۳۷۵، ۲۲۰).

در مقام پاسخگویی به پرسشی درباره صحت یا عدم صحت قرارداد زوجین درباره حاکم کردن نظام اشتراک اموال زوجین بر روابط مالی خود، دو رویکرد وجود دارد. رویکرد نخست، با در نظر گرفتن، اصل استقلال اموال زوجین، هرگونه قرارداد مخالف آن را باطل می‌داند. علاوه بر این، دلیلی نیز در تقویت نظام اشتراک اموال زوجین در شریعت اسلامی وجود ندارد. در نقطه مقابل، رویکردی دیگر با استناد به ادله‌ای از قبیل مخالف نبودن قرارداد مذکور با مقتضای ذات عقد نکاح، پیروی از چهارچوب معرفی شده توسط پیامبر اکرم (ص) در روایت مشهور المؤمنون عند شروطهم (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ۲۰۵) و اصل التزام به مفاد قرارداد قائل به صحت این قرارداد هستند. به نظر می‌رسد که جایز دانستن قرارداد زوجین درباره تعیین نظام اشتراک اموال زوجین، به دلیل عدم مخالفت با مقتضای ذات عقد نکاح و فقدان دلیل که به صراحت آن را منع کند، بلاشکال است. علاوه بر این، در پاسخ به کسانی که اصل استقلال اموال زوجین را به عنوان دلیلی در بی‌اعتباری نظام اشتراک اموال زوجین می‌دانند، بایستی بیان داشت که اولاً، علی‌الأصول، نظام جدایی اموال زوجین، در صورت عدم تراضی زوجین مبنی بر اختیار نظام مالی دیگر، بر روابط مالی آن‌ها حاکم است و قائل شدن به صحت این قرارداد، به منزله بی‌اعتبار دانستن اصل استقلال اموال زوجین نیست. ثانیاً، وضعیت کنونی جوامع بشری که سال‌هاست با بحران‌های اقتصادی مواجه شده‌اند، اقتضاء می‌کند، به دلیل ناکافی بودن طرق حمایتی مقرر در فقه امامیه و نظام

حقوقی جمهوری اسلامی ایران، گامی مؤثر را در راستای حمایت از حقوق زوجه پس از انحلال عقد نکاح در اثر طلاق یا فوت زوج برداشت.

برخلاف رویکرد صرفاً فمینیستی، بایستی بیان داشت که پذیرش صحت قرارداد زوجین به منظور حاکم کردن نظام اشتراک اموال بر روابط مالی خود، برای زوج نیز می‌تواند آثاری مثبت را داشته باشد. زیرا، همان‌طور که زوجه، اعم از خانه دار و شاغل با ایفای نقش‌های حمایتی در فراهم آوردن فضای مساعد برای خانواده و تأمین آرامش برای زوج و مشارکت در افزایش درآمد در موفقیت زوج تأثیرگذار است، زوج هم با پشتیبانی از زوجه شاغل همچون حمایت از وی به منظور کاهش فشار روانی ناشی از محل کار و فراهم کردن فرصت برای ادامه تحصیلات از طریق مراقبت از فرزندان و بعضاً نادیده گرفتن نیازهای شخصی خود در موفقیت همسر سهم به سزایی دارد. لذا با استناد به ادله فوق، قرارداد زوجین درباره نظام اشتراک اموال زوجین، نه تنها مغایر با ادله شرعی نیست؛ بلکه می‌تواند در راستای تقویت خانواده و حمایت از زوجین به شمار آید.

۴-۲- فقه اهل سنت

قاعده بنیادین در شریعت اسلامی، فقه اهل سنت، جدایی اموال زوجین؛ استقلال ذمه زوجین یا نظام جدایی اموال زوجین است که در غالب کشورهای اسلامی واقع در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بر روابط زوجین حاکم است. با توجه به مقتضیات زمان و مکان در دوره کنونی و ضرورت‌های حاصل از سبک زندگی جدید پس از انقلاب صنعتی که زندگی شهرنشینی را برجسته ساخت، نظام اشتراک اموال زوجین مورد توجه قرار گرفته است، چیزی که پیش از آن، در فتاوی فقهای اهل سنت و بالتبع نظام‌های حقوق خانواده کشورهای عربی بی‌سابقه بود، زیرا ضرورتی به پراختن به این موضوع وجود نداشت.

به منظور بررسی صحت این نوع نظام حاکم بر اموال زوجین، بایستی مقدمه‌ای را مطرح کرد. این مقدمه، بررسی شروط زوجین حین العقد یا پس از آن برای حاکم کردن نظام اشتراک اموال زوجین بر روابط مالی خود است که با توجه روایت مشهور نبوی (ص)^{۱۷} که مسلمانان را پایبند به شروط شان می‌داند، جواز آن مسلم است. البته، این نوع تفسیر منوط به منهج فکری فقهای اهل سنت است. گروه موافق صحت این شروط، در مقام بررسی شروط، اصل را بر صحت و جواز آنچه مخالف شریعت اسلامی نباشد، می‌گذارند. در مقابل،

۱۷- این روایت در کتب روایی اهل سنت به دو صورت «المسلمون علی شروطهم» و «المسلمون عند شرطهم» به کار رفته است. عبارت اول را بیهقی در السنن الکبری (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ۱۳۱) و دومی را ابن ابی شیبیه در الکتاب المصنف فی الأحادیث و الآثار به کار برده است (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۴، ۴۵۰).

مخالفان، اصل را بر فساد و عدم جواز این شروط قرار می‌دهند، زیرا ایشان شرطی را صحیح می‌دانند که یکی از ادله شرعی از قبیل نصوص شرعی و اجماع بر آن دلالت کند (شعبان، ۱۹۶۸، ۶۱). بنابراین، در مورد نظام اشتراک اموال زوجین، گروه نخست از فقها، بر جواز قرارداد و شروط زوجین درباره اختیار نظام اشتراک اموال زوجین تا زمان استمرار عقد نکاح و برقراری رابطه زوجیت اعتقاد دارند، زیرا به صراحت، مانعی درباره فساد آن در میان ادله شرعی وجود ندارد. بر مبنای منهج فکری گروه دوم هم، بایستی بر عدم جواز قرارداد و شروط مندرج در آن رأی داد، زیرا دلیلی در تأیید آن وجود ندارد.

در مقام اختیار نظر مطلوب، مطابق با رویکرد جدید نظام حقوق خانواده کشورهای تونس و مراکش و طرح پیشنهادی مجلس مصر، بایستی بیان داشت که با توجه به مقتضیات زمان و مکان در دوره کنونی و جنبه مالی بودن نظام اشتراک اموال حاصله زوجین پس از انعقاد عقد نکاح که در حقیقت برخلاف دیگر قسمت‌های نکاح، تعدی به شمار نمی‌رود، حکم به صحت و جواز آن بلاشکال به نظر می‌رسد. یکی از پژوهشگران عرب در تأیید این دیدگاه می‌نویسد نظام اشتراک اموال زوجین، تأسیس حقوقی اختیاری به شمار می‌رود و زوجین در صورت تمایل، می‌توانند حین العقد یا پس از آن، درباره آن تراضی کنند. از این رو چنانچه توافقی صورت نگیرد، علی‌الأصول، نظام جدایی اموال زوجین و استقلال ذمه طرفین بر روابط مالی آن‌ها حاکم است که همان قاعده بنیادین در شریعت اسلامی است. علاوه بر این، نظام اشتراک اموال زوجین که حاصل توافق زوجین است، گامی در راستای حمایت از زوجه مسلمان و حمایت از خانواده^{۱۸} پس از انحلال نکاح از طریق چون طلاق و فوت زوج به شمار می‌رود (سومیه، ۲۰۲۲، ۹۷۹).

نتیجه

تحولات اخیر در دول توسعه یافته غربی، الگویی نوین را در نظام‌های حقوق خانواده آن‌ها به ارمغان آورد. مواجهه دول اسلامی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا با جریان مزبور که ناشی از حضور خارجی‌ها از جمله فرانسوی‌ها در کشورهای شمال آفریقا و بازگشت عرب‌های تحصیل کرده در غرب بود، سیستم حقوقی کشورهای مراکش و تونس را بیش از دیگر کشورهای منطقه تحت تأثیر قرار داد. علاوه بر این، اتفاقات پس از بهار عربی که منتهی به دگرگونی حکومت‌های تونس و مصر شد، اصلاحاتی دیگر را به همراه داشته است که برخی از آن‌ها در کشور مصر، به دلیل مخالفت جامعه الأزهر الشریف، تاکنون در قالب قوانین به تصویب نرسیده‌اند.

از آنجایی که نحوه مواجهه با چالش سنت و تجدد، به عنوان یکی از معضلات اساسی برای حاکمان

کشورهای اسلامی به شمار می‌رود و اعمال اصلاحات در امپراطوری عثمانی که به تدریج موجب زوال این حکومت اسلامی شد، بدینی حاکمان مسلمان به اعمال تغییرات در نظام حقوق خانواده را به همراه داشته است، تجربه کشورهای مراکش و تونس، پیش از وقوع بهار عربی، در حمایت از زوجه که با در نظر گرفتن راهکارهایی چون نظام اشتراک اموال زوجین در صورت تراضی آنها حین العقد یا پس از آن، توجه به وضعیت مالی زوجین، عرف و شاخص‌های اقتصادی در تعیین میزان نفقه و تأسیس نهادهای اختصاصی به منظور حمایت از زنان مطلقه یا بیوه که مغایرتی با شریعت اسلامی ندارد و گام‌هایی مناسب در راستای حمایت از زنان به حساب می‌آیند، می‌تواند برای سیاستگذاران و قانونگذاران ایرانی راهگشا باشد. نگرانی بابت غیرشرعی بودن اصلاحات مزبور، به ویژه نظام اشتراک اموال زوجین، بجا نیست، زیرا بنابر ادله موجود همچون روایت مشهور نبوی که مسلمانان را پایبند به شروط شان می‌داند، اصل التزام به مفاد قراردادها، عدم مخالفت با مقتضای ذات نکاح و ضرورت تغییر در نظام حقوق خانواده به منظور حمایت از زنان تردیدی در جواز این نوع نظام مالی نیست و اجرای آن در کشورهای اسلامی شمال آفریقا، تمامی تردیدها درباره مخالفت با اسلام را می‌زداید. مخالفت‌های جامعه الأزهر الشریف در مصر با طرح جدید مجلس این کشور که با حمایت دولت تدوین شده است، از باب دغدغه شریعت اسلامی نیست؛ بلکه این نهاد دینی، تنها خود را دارای صلاحیت در تهیه و تنظیم طرح درباره نظام حقوق خانواده می‌داند.

از این رو، به سیاستگذاران و قانونگذاران جمهوری اسلامی در حوزه خانواده و زنان توصیه می‌شود:

اول- در قانونی جدید یا در قوانین سابق همچون قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده، نظام اشتراک اموال زوجین را به رسمیت بشناسند. از این رو ضروری است تا تمام جوانب آن همچون نوع اموال مشمول این نظام، زمان انعقاد و اثرگذاری عقد، ماهیت قرارداد و طریقه انحلال آن تعیین شود. علت تأکید بر در نظر گرفتن تمام جوانب، آن است که اکتفا به به رسمیت شناختن یک شرط ضمن عقد نکاح درباره نظام مزبور، موجب بروز اختلافات فراوان میان قضات و حقوقدانان در تفسیر آن می‌شود که در عمل، زوجین را با چالش‌های فراوان مواجه می‌کند. دوم- در قوانین مرتبط با حوزه خانواده، همچون مراکش، وضعیت مالی زوجین، عرف و شاخص‌های اقتصادی در هر دوره به عنوان معیاری برای تعیین نفقه زوجه در نظر گرفته شود، زیرا در این صورت، می‌توان حمایت از زوجه را در هر شرایطی تضمین کرد و از بروز اختلافاتی چون اعسار یا امتناع زوج از پرداخت نفقه که بخشی از پرونده‌های دادگستری را تشکیل می‌دهند، تا حدی جلوگیری به عمل آید. سوم- با توجه به نقش آفرینی مثبت نهادهای دولتی در کشورهای مصر، مراکش و تونس که در حمایت از زنان و فرزندان آنها موفق بوده‌اند، ضرورت دارد تا

جمهوری اسلامی ایران با بازنگری در سیاست‌های خود در حوزه حمایت از زنان، در مقام سیاستگذاری و تقنین و در مقام اجرا، فرایندی یک پارچه را طراحی و نقش آفرینی در این باره را به یک نهاد تخصصی تفویض کند تا علاوه بر حمایت بیشتر از زنان ایرانی و فرزندان آن‌ها که به دلیل طلاق و فوت سرپرست خانواده با معضلاتی چون فقر روبرو هستند، از تکتک سازمانی و اقدامات متعارض جلوگیری نماید. از طرف دیگر، تناسب مساعدت‌های مالی ارائه شده با وضعیت اقتصادی نیز ضروری است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- قرآن کریم

فارسی

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۶۸، **حقوق خانواده**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.

- روشن، محمد، ۱۴۰۰، **حقوق خانواده**، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.

- روشن، محمد و محمدی رمقانی، حسن، ۱۳۹۲، تأثیر ورشکستگی و اعسار زوج بر مطالبات زوجه، **فصلنامه**

خانواده پژوهی، شماره ۳۳.

- سلیمی، حسین، ۱۳۹۳، **نگرشی نو به تاریخ روابط بین الملل**، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

- سیدان، فریبا و خاکخو، طاهره، ۱۳۹۴، **تجربه زیسته زنان مطلقه**، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

- صفار، محمدجواد، ۱۳۹۰، **درس‌هایی از حقوق خانواده: با تکیه بر موقعیت حقوقی زن در نکاح و طلاق**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.

- صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله، ۱۳۹۳، **مختصر حقوق خانواده**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میزان.

- عنایت زاده، لیلا، ۱۳۹۶، **بازتجدد زنان زنان: فصل فاجعه یا شروع مجدد**، چاپ اول، تهران،

انتشارات جامعه‌شناسان.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۴، **قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی**، چاپ چهل و هفتم، تهران، انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۵، **دوره حقوق مدنی: عقود معین**، چاپ چهاردهم، جلد اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- گروسی، سعیده، ۱۴۰۰، **جامعه و جامعه‌شناسی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- محسنی، الهه، ۱۳۹۵، **اشخاص و خانواده در قانون مدنی فرانسه: ترجمه کتاب نخست قانون مدنی فرانسه (مواد ۱ تا ۱۳-۵۱۵)**، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- محمدتقی زاده، مهدیهف ۱۳۹۶، **بسترهای تقنینی و اجرایی در حمایت از زنان بی‌سرپرست و بد سرپرست**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- محمدی آرانی، اکرم، ۱۳۹۳، **نقش عرف در تفسیر قوانین خانواده**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، **نظام حقوق زن در اسلام**، چاپ پنجم، تهران، انتشارات صدرا.
- مهرپور، حسین؛ روشن، محمد؛ محمدی رمقانی، حسن، ۱۳۹۱، **مطالبات زوجه و روش وصول آن: مهریه، نفقه، اجرت المثل، نحله، شرط تصیف داریی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات جنگل جاودانه.
- ولی، وهاب، ۱۳۸۰، **روند اصلاحات در امپراطوری عثمانی (از تنظیمات تا مشروطیت)**، **فرهنگ اندیشه**، شماره ۱.

عربی

- ابن ابی شیبۀ، أبوبکر، ۱۴۰۹ق، **الكتاب المصنف فی الأحادیث و الآثار**، جلد چهارم، چاپ اول، ریاض، مکتبه الرشد.
- ابن منظور، ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، جلد یازدهم، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
- أبو منصور، الأزهری، ۲۰۰۱، **تهذیب اللغة**، جلد پنجم، چاپ اول، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- أقاش، محمد، ۱۴۲۵ق، **النظام المالی للزوجین علی ضوء مدونة الأسرة**، جامعة سیدی محمد بن عبدالله ظهر المهرآز فاس، كلية العلوم القانونية و اةقتصادية و اةجتماعیة.
- البرکتی، محمد عمیم اةحسان، ۱۴۲۴ق، **التعريفات الفقهیة**، چاپ اول، پاکستان، دار الکتب العلمیة.
- بیهقی، أبوبکر، ۱۴۲۴ق، **السنن الکبری**، جلد ششم، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- الجزیری، عبدالرحمن، ۱۴۱۹ق، **الفقه علی المذاهب الأربعة**، جلد چهارم، بیروت، دار الکتب العلمیة.

- جوهری، أبو نصر، ۱۴۰۷ق، **الصالح تاج اللغة و صحاح العربية**، جلد چهارم، چاپ چهارم، بیروت، دار العلم للملایین.
- الجیلالی، السبع، ۲۰۱۳، استقلال الذمة للزوجة من خلال الشروط اءدارية لعقد الزواج و آثارها فی مدونة الأسرة دراسة تأصیلیة، جامعة محمد الأول وجدة، **مقال منشور فی مجلة الفقه و القانون**، العدد ۰۳.
- زبیدی واسطی، سیدمرتضی، ۱۴۱۴ق، **تاج العروس من جواهر القاموس**، جلد بیست ام، کویت، دار الهدایة.
- سومیه، بوتیره، ۲۰۲۲، نظام اشتراك فی الأموال المكتسبة بین الزوجین فی القوانين المغاربية دراسة مقارنة بالفقه اءسلامی، **مجلة الحقوق و العلوم اءنسانية**، العدد ۰۲.
- السیواسی کمال الدین، محمد بن عبد الواحد، ۱۴۲۴ق، **شرح فتح القدير**، جلد چهارم، چاپ دوم، بیروت، دارالفکر.
- شعبان، زکی الدین، ۱۹۶۸، **نظریة الشروط المقترنة بالعقد فی الشریعة و القانون**. چاپ اول، قاهرة، دار النهضة العربية.
- شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، جلد بیست و یکم، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام ءحیاء التراث.
- شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، **من لا یحضره الفقیه**، جلد سوم، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی بروجردی، سیدحسین، ۱۴۱۵ق، **جامع أحادیث الشیعة**، جلد بیست و یکم، قم، نشر الصحف.
- عسقلانی، ابن حجر، ۱۳۹۰ق، **لسان المیزان**، جلد دوم، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- غلام ثعلب، ۱۴۲۳ق، **یاقوتة الصراط فی تفسیر غریب القرآن**، چاپ اول، مدینة منورة، مكتبة العلوم و الحكم.
- فراهیدی، الخلیل بن أحمد، ۱۴۰۸ق، **كتاب العین**، جلد پنجم، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
- فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، **الوافی**، جلد بیست و سوم، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- محدث نوری، ۱۳۶۸، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، جلد پانزدهم، قم، مؤسسة آل البيت ءحیاء التراث.
- محمد بن السید حسن، ۱۹۸۱، **الراموز علی الصحاح**، چاپ دوم، دمشق، دار أسامة.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۹۰، **تفسیر اثری جامع**، ترجمه جواد ایروانی، چاپ اول، قم، مؤسسة فرهنگی انتشاراتی التمهید.

- مكارم شيرازى، ناصر، ۱۴۳۲ق، **أنوار الفقهة فى أحكام العترة الطاهرة: كتاب النكاح**، جلد سوم، چاپ اول، قم، دار النشر امام على بن أبى طالب عليه السلام.
- موسوى غريفى، محى الدين، ۱۴۰۶ق، **قواعد الحديث**، چاپ سوم، بيروت، دار الأضواء.

لاتين

- Bennoune, Mahfoud, 1975, Maghribin Workers in France, MERIP Reports, No. 34.
- Booley, Ashraf, 2019, Progressive Realization of Muslim Family Law: The Case of Tunisia, Zambia: Potchefstroom Electronic Law Journal, Vol. 22.
- De Tarde, Alfrd, 1919, The Work of France in Morocco, Geographical Review. Vol. 8, No. 1.
- Goldstein, Leslie F., 1982, Early Feminist Themes in French Utopian Socialism: The St.-Simonians and Fourier, Journal of the History of Ideas.
- Robert, C. Allen, 2017, THE INDUSTRIAL REVOLUTION: A Very Short Introduction, Northants: Oxford University Press.
- Stearns, Peter. N., 2013, THE INDUSTRIAL REVOLUTION IN WORLD HISTORY, Colorado: WESTVIEW PRESS.

